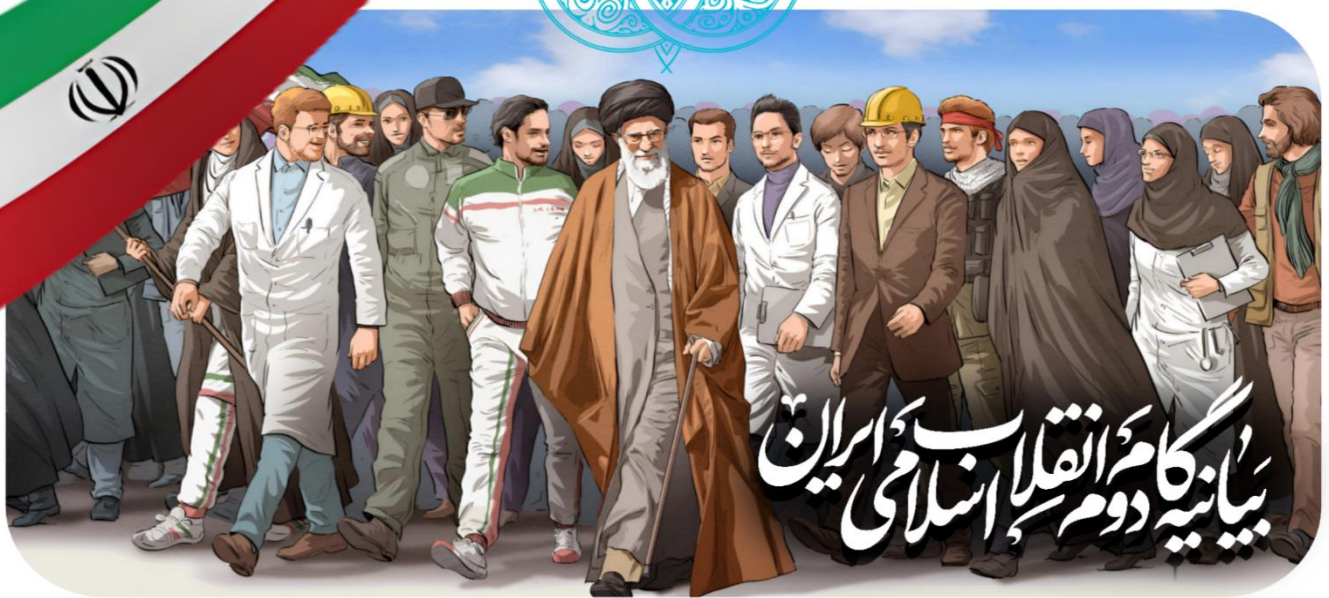




ژنومی انقلاب اسلامی

مدرس: محسن قنبریان

تهیه و تولید: مدرسه گفتمانی بینات



جولان گفتمان ساز انقلاب اسلامی

شبکه گفتمان سازان انقلاب اسلامی
harekat.net



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.

اللهم صلى على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

بسم الله الرحمن الرحيم در پنج ارائه ده دقیقه‌ای، محضر شریف‌تان می‌خواهم طرح کلی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را در بیانات حضرت آقا برایتان بیان کنم. ابتدا در مقدمه عرض می‌کنم که چرا نیاز به طرح کلی داریم. طرح کلی همان‌طور که حضرت آقا در دهه پنجاه برای ما در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» بیان کردند، برای انقلاب اسلامی نیز نیاز به یک طرح کلی داریم؛ یک عکس ماهواره‌ای، یک عکس پهپادی. زیرا گاهی اوقات، به ویژه برای کسانی مانند حسن باقری‌ها، نیاز به این نقشه هوایی داریم. اگر این نقشه‌ها را نداشته باشیم، در مسائل روزمره میدان گم می‌شویم و در نهایت آن نقشه کلی را فراموش می‌کنیم. این طرح کلی را من از خودم نمی‌گویم. این‌ها از دوگانه‌هایی است که مقام معظم رهبری بیان کردند. عمدتاً در دو مجموعه فیش وجود دارد که در سایت ایشان می‌توانید آن‌ها را مشاهده کنید. یکی فیش‌های مکتب امام و دیگری فیش‌های حرف نو جمهوری اسلامی. اگر این دو مجموعه فیش را مشاهده کنید و یکی دو سخنرانی دیگر که اشاره می‌کنم، دوگانه‌هایی را پیدا خواهید کرد که این دوگانه‌ها به مثابه اضلاع یک چندضلعی هستند. حالا من ده‌تا از این دوگانه‌ها را برای شما می‌شمارم. این دوگانه‌ها را طرح کرده‌اند تا دقیقاً ذهن ما به شکل مهندسی به آن نگاه کند، که هر کدام یک ضلع از این چندضلعی هستند و از دو ضلع دیگر جدا می‌شوند. انقلاب اسلامی را از تحجر و تجدد جدا می‌کند. این دوگانه‌ها اگر مقابل هم قرار نگیرند، که دوگانه‌های هم‌افزا هستند، مانند دوگانه‌های معروف دوقطبی که می‌شنویم، نخواهند بود. این دوگانه‌ها در کنار هم، سازگاری پیدا می‌کنند و حرف نو انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را شکل می‌دهند. یا به تعبیر دیگر، مکتب امام بر اساس این دوگانه‌ها بنیاد گذاشته شده است. وقتی در دو طرف این دوگانه‌ها توجه می‌کنید، می‌بینید که یک طرف، تجدد افراطی را از ما دور می‌کند و طرف دیگر، تحجر را. چون انقلاب اسلامی یک حرکت سومی بوده است؛ نه ادامه طرح توسعه تجدد و مدرنیته غربی و نه ادامه تحجرهای گذشته یا ناپدید شدن طالبان و داعش. یک چیز وسطی از این دو است که مهندسی عالمانه‌ای از سوی امام بزرگوار و متفکران و رهبران انقلاب اسلامی بوده است. از این نظر این دوگانه‌ها که عرض کردم، یک دوازده‌ضلعی یا ده‌ضلعی می‌سازند که دقیقاً می‌توانیم از دیگری‌ها متمایزشان کنیم. پس تا اینجا درباره ضرورت و اهمیت طرح کلی صحبت کردیم. من در همین جلسه می‌خواهم بگویم که این طرح کلی دست آخر یک موجود مشخصی به نام جمهوری اسلامی یا به تعبیر دیگر، مردم‌سالاری دینی را متولد کرده است. پس این طرح کلی به نوعی طرح ژنومی یا نقشه ژنومی مردم‌سالاری دینی هم هست. جمهوری اسلامی در بیان امام، در بیان آقا، در بیان شهید مطهری و شهید بهشتی و متفکران دیگر انقلاب اسلامی یک طرح ژنومی دارد که دقیقاً با همین دوگانه‌ها قابل شناسایی است.



آن طرح ژنومی را باید پیدا کنید. همان طور که یک نقشه ژنومی در چشم‌مان و در سم‌پای‌مان و در همه‌جای‌مان است، نقشه ژنومی جمهوری اسلامی نیز باید شناخته شود تا مسائل انقلاب اسلامی با آن حل شود. باید حتماً این نقشه را چک کنید. اگر این نقشه را نداشته باشید، مسائل به‌صورت جمهوری اسلامی و در تراز انقلاب اسلامی حل نخواهد شد. احتمالاً یا در گفتمان تجدید حل می‌شود یا در گفتمان تحجر. من بی‌رو دربارستی می‌گویم که بسیاری از مسائل‌مان در این چهل سال، آغشته به این دو گفتمان شده‌اند. یعنی در جایی که کارهای اندیشکده‌ای انجام شده، دولت‌ها طرح‌ها و راهبردهایی را از جاهای مختلف آوردند که شاید خارج از مسیر انقلاب اسلامی بوده است. بنابراین این نقشه ژنومی فوق‌العاده مهم است. این دوگانه‌هایی که بنده می‌شمارم و قابل افزایش هم هستند، در کلمات آقا در نهایت چه چیزی می‌سازند؟ عرض کردم جمهوری اسلامی را می‌خواهم توضیح دهم. حالا کلمه آقا را می‌گویم. ایشان می‌فرماید که نقشه امام، بنای یک نظم مدنی و سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود. پس آن چیزی که این اضلاع و این طرح کلی می‌سازد، یک نظم مدنی و سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی است. همان چیزی است که ما به آن می‌گوییم حقیقت جمهوری اسلامی. و همه نظم‌های موجودی که شکل می‌گیرند، باید با درک آرمان جمهوری اسلامی منطبق شوند. در ادامه می‌فرمایند که این دو نکته ضروری دارد. یعنی اگر بخواهیم یک نظم مدنی و سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بسازیم، این نظم باید از مبانی توحید و دیگر مبانی عقیدتی اسلامی شروع شود. این دو نکته اساسی و ضروری این‌طور بیان می‌شود: یک، سپردن کار کشور به مردم از طریق مردم‌سالاری و انتخابات. دو، حرکت در چارچوب شریعت اسلامی. این خلاصه آن موجود است. یعنی جمهوری اسلامی، موجود مردم‌سالاری دینی است که قبل از اینکه طرح ژنومی‌اش را به تفصیل بشناسیم، در این دو رکن جا می‌گیرد.

در واقع این دو رکن همانند ارکان اساسی این موجود هستند. یکی از آن‌ها سپردن کارهای کشور به مردم است که عمده‌اش در انتخابات و مردم‌سالاری است. آقا در یک بیان دیگر می‌فرماید که مردم‌سالاری دینی این نیست که هر چهار سال یک‌بار مردم رأی بدهند، حالا برای مجلس یا دولت یا شورای شهر و بعد بروند. بلکه سالار امور جامعه باید مردم باشند، در تمام امور جامعه. یکی از ارکان اساسی جمهوری اسلامی، سپردن کارهای کشور به دست مردم است. دوم، این که همین سپردن و همین راهبری باید در چارچوب شریعت اسلامی انجام شود. جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی هویت اصلی این موجود را می‌سازد. در بعضی از فیش‌ها از آن تعبیر می‌کنند به این که حرف نو است. در برخی از نقاط دنیا، اصالت را به مردم می‌دهند، اصالت را به رأی مردم می‌دهند، به خواست مردم می‌دهند. در دنیای لیبرالیسم این‌طور است. اما آن‌ها سکولار می‌شوند و شریعت اسلامی و ارزش‌های دینی را کنار می‌گذارند. در جاهای دیگر، در مقابل، از شریعت و احکام سخن می‌گویند اما مردم و سپردن کارها به دست مردم را رها کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در نمونه طالبان می‌توان دید که گرچه آن‌ها روحیه‌ای تهاجمی به کشورهای همسایه ندارند، اما در درون نظم سیاسی خود، هیچ‌گاه کارها را به مردم نمی‌سپارند. نه از ابتدا با صندوق رأی آمده‌اند، نه بعد قانون اساسی نوشته‌اند، نه انتخابات دارند. مردم فقط به‌مثابه گوسفندانی هستند که به سمتی هدایت می‌شوند



در بهترین حالت، مانند دانش‌آموزان یک مدرسه هستند که باید فقط آموزش ببینند و راهبری ندارند. اما حرف جمهوری اسلامی دقیقاً وسط این دو است. پس خلاصه آنچه در این جلسه گفتیم این است که اولاً باید ضرورت یک طرح کلی و نگاه پهنایی به انقلاب اسلامی را درک کنیم. این خلاصه‌ای است که امام بزرگوار فرمودند و حضرت آقا نیز آن را تأکید کردند که نقشه امام، بنای یک نظم مدنی سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود. دو پیامد اصلی این نقشه عبارتند از: یکی سپردن امور کشور به دست مردم در چارچوب مردم‌سالاری، از جمله انتخابات؛ و دوم حرکت در چارچوب شریعت اسلامی که این موجود را متولد کرده به نام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی. این نکته‌ای است که باید بشناسیم. این اجمال موجود جمهوری اسلامی است. حالا می‌خواهیم در جلسات بعد طرح ژنومی آن را باز کنیم و ده‌تا دوگانه‌ها را دقیقاً روشن کنیم، از عقلانیت اسلامی شروع کنیم و به روبناها و مسائل میدان بپردازیم. نکته پایانی که باید بگوییم این است که غیر از این بینش حضرت آقا، یک گرایش مهم در ساحت انگیزه نیز وجود دارد که همه یاران انقلاب اسلامی باید درک کنند. در واقع زیربنای حرکت امام قیام الله بود، یعنی اخلاص برای خدا و قیام الله. امام خود این آیه را جزو پرتکرارترین آیه‌ها می‌دانستند: «قُلْ إِنَّمَا أَكُونُ لَكُمْ وَاحِدَةً قَوْمُوا لِلَّهِ». تنها موضع قرآن این است که برای خدا قیام کنید، چه دو به دو یا به تنهایی. امام خود این‌گونه شروع کننده بود. این در ساحت انگیزه است و در ساحت اندیشه نیز همان طرح ژنومی است. این دو را یاران انقلاب باید با هم جمع کنند: هم نقشه ژنومی را خوب بشناسند و هم با انگیزه قیام الله و فقط برای خدا و اخلاص، نه برای مطامع سیاسی و دنیوی، این حرکت را به پیش ببرند. ان شاء الله در جلسات بعد شروع می‌کنیم به شمردن ده‌تا از این دوگانه‌ها و تقدیم محضر شما.

جلسه دوم: ادامه بررسی نقشه ژنومی انقلاب اسلامی

در جلسه اول از ضرورت داشتن طرح کلی برای انقلاب اسلامی و به تعبیر بنده نقشه ژنومی انقلاب اسلامی سخن گفتیم و مجموعه فیش‌هایی از حضرت آقا را مبنای اصلی قرار دادیم تا این نقشه ژنومی را پیدا کنیم. این نقشه کمک می‌کند که حسن باقری‌های انقلاب اسلامی بتوانند درست طرح عملیات‌های انقلاب اسلامی را برای پیشبرد اهداف خود طراحی کنند. حضرت آقا فرمودند که نقشه امام بنای یک نظم مدنی سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود. این موجودی که باید به‌خوبی آن را بشناسیم و محقق کنیم، جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی است. این نظم مدنی سیاسی ریشه در عقاید اسلامی دارد که باید از آنجا شروع کنیم و آن را به تفصیل بشناسیم.

حضرت آقا فرمودند که این نقشه ژنومی دو پیامد اصلی دارد: یکی سپردن همه کارهای کشور به دست مردم و دیگری حرکت در چارچوب شریعت اسلامی. این دو اصل، پایه‌های جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند. حالا می‌خواهیم نقشه ژنومی جمهوری اسلامی را به تفصیل بشناسیم و از عقلانیت اسلامی شروع کنیم.



در این جلسه، برخی از عقاید مهم اسلامی که در بیانات حضرت آقا آمده است را بررسی می‌کنیم. این عقاید در دوگانه‌هایی که حضرت آقا معرفی کرده‌اند، به ما کمک می‌کند تا مسیر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را شفاف‌تر بفهمیم. این دوگانه‌ها در واقع هم خود جمهوری اسلامی را معرفی می‌کنند و هم دیگران را که باید از آنها پرهیز کنیم. در اینجا به چند دوگانه اشاره می‌کنم:

تقدیر الهی و همت مردمی:

در عقلانیت اسلامی، ما به تقدیر الهی ایمان داریم، اما در کنار آن همت مردمی را نیز می‌پذیریم. مردم در عرصه اجتماعی به‌عنوان مجرای اراده الهی عمل می‌کنند. تغییرات در جوامع و اقوام زمانی اتفاق می‌افتد که اراده مردم با اراده الهی هماهنگ شود. این دوگانه از جبرگرایی و تحمیل اراده‌های انسانی جلوگیری می‌کند.

توحید و کرامت انسان:

حضرت آقا می‌فرمایند که توحید باید با کرامت انسان همراه باشد. توحید به‌تنهایی نمی‌تواند نقشه ژنومی انقلاب اسلامی را بسازد، زیرا اگر تنها به توحید پردازیم، ممکن است به انحرافات مانند تکفیر و خشونت کشیده شویم. توحید باید با احترام به کرامت انسان همراه باشد، تا انقلاب اسلامی در مسیر درست خود قرار گیرد.

معنویت و رای مردم:

جمع بین معنویت و رای مردم یکی از ارکان جمهوری اسلامی است. معنویت باید از طریق توحید و کرامت انسان در رای مردم متجلی شود. رای مردم باید در تمامی امور جامعه پذیرفته شود و معنویت در این تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشد.

با این سه دوگانه، نقشه ژنومی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی مشخص می‌شود که در آن هم تقدیر الهی و هم همت مردمی، هم توحید و کرامت انسان، و هم معنویت و رای مردم، به‌عنوان ارکان اصلی در نظر گرفته می‌شوند. این مباحث، پایه‌های جمهوری اسلامی را شکل می‌دهند و باید در تمامی سیاست‌ها و برنامه‌ها رعایت شوند.

جلسه سوم: اجرای احکام الهی و رعایت مصلحت‌های عمومی در انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم و بهیئتہ العین. در جلسه‌های قبلی از ضرورت طرح کلی انقلاب اسلامی و نقشه ژنومی آن سخن گفتیم. این نقشه ژنومی بر اساس دو مجموعه فیش از حضرت آقا تحت عنوان «فیش‌های مکتب امام» و «فیش‌های حرف نو جمهوری اسلامی» است که در سایت ایشان موجود است. این نقشه شامل ده ضلعی است که هر ضلع آن دوگانه‌ای دارد که با هم سازگار هستند و دو دیگری را از جمهوری اسلامی و طرح انقلاب اسلامی جدا می‌کنند. یکی از این دوگانه‌ها، تجدد و مدرنیته غربی است و دیگری تحجر و تحجرهای شرقی یا خوانش‌های اسلامی.



سه تا از این دوگانه‌ها را در عقلانیت اسلامی بررسی کردیم. جمله محوری حضرت آقا این بود که «نقشه امام بنای یک نظم مدنی سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی بود». این جمله، مبنای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است. دو نکته ضروری این نظم مدنی سیاسی عبارت است از: اول، سپردن کارها به دست مردم و دوم، حرکت در چارچوب شریعت اسلامی. حالا می‌خواهیم نقشه ژنومی این موجود را به تفصیل بشناسیم و فلسفه نقشه ژنومی این است که در همه طرح‌ها و راهبردهایی که یاران انقلاب اسلامی می‌خواهند طراحی کنند، باید این نقشه ژنومی رعایت شود.

در جلسه امروز، به چهارمین ضلع نقشه ژنومی می‌پردازیم. این ضلع نیز دو طرف دارد و دو دیگری را از ما جدا می‌کند. به تعبیر حضرت آقا، این چهارمین ضلع «اجرای احکام الهی در کنار رعایت اقتضائات و مصلحت‌های عمومی» است. اجرای احکام الهی یکی از ارکان اصلی انقلاب اسلامی است، چراکه انقلاب اسلامی آمده تا احکام الهی را اجرا کند. اما نکته مهم این است که باید اقتضائات و مصلحت‌های عمومی را در نظر بگیریم.

درک درست از ولایت فقیه بسیار مهم است. هنوز هستند کسانی که ولایت فقیه را فقط مجری احکام می‌دانند. به عبارتی، این افراد فکر می‌کنند که ولایت فقیه تنها بیلید احکام را اجرا کند. این دیدگاه غلط است. امام در کتاب «البیع» تصریح می‌کنند که ولایت فقیه فقط مجری احکام نیست. ولایت فقیه در مفهوم امام یعنی ولایت بر احکام، نه صرفاً اجرای آن‌ها. به این معنا که در برخی از زمان‌ها ممکن است حکم الهی به دلایل مصلحت‌های عمومی یا اقتضائات خاص، اجرا نشود یا به شکلی متفاوت اجرا شود.

حضرت آقا در بیان خود به این نکته اشاره می‌کنند که برخی از احکام الهی ممکن است به دلیل اقتضائات زمان و شرایط اجتماعی، دیگر حکم قطعی نباشند و باید با مصلحت‌های عمومی تطابق پیدا کنند. این موضوع به‌ویژه در مسائل اقتصادی بسیار مهم است. به‌عنوان مثال، در مورد ربا و مسائل اقتصادی، برخی معتقدند که به دلیل ضرورت‌های اقتصادی دنیای سرمایه‌داری، اجرای احکام سخت‌گیرانه ممکن است نتایج منفی به همراه داشته باشد.

در تاریخ انقلاب اسلامی، مسائل مشابهی در مورد مالکیت زمین‌ها و حقوق کارگران به‌وجود آمد. به‌طور مثال، در یک طرح که در مجلس تصویب شد، مالکین زمین‌های چسبیده به شهرها موظف بودند زمین خود را به دولت بفروشند. شورای نگهبان این طرح را مغایر با شرع دانست، زیرا بر اساس قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم»، هر فردی بر مال خود مسلط است و نمی‌توان او را مجبور به فروش کرد. اما انقلاب اسلامی باید به مشکلات مستضعفان و محرومان رسیدگی کند. در اینجا، ولایت فقیه وارد می‌شود و باید اقتضائات را در نظر بگیرد.

مصلحت‌های عمومی در اینجا نقش مهمی دارند. به‌عنوان مثال، برای رفع مشکل مسکن در کشور، لازم است که اقدامات خاصی انجام شود که ممکن است در برخی شرایط، حکم قطعی شرعی را تحت تأثیر قرار دهد. چنین مصلحت‌هایی باید با دقت در نظر گرفته شوند تا ظلم و بی‌عدالتی به مردم وارد نشود.



در مثال دیگر، در مورد کارگران و حقوق آن‌ها، وقتی عرضه کار زیاده‌تر از تقاضا باشد، ممکن است کارفرمایان دستمزد کمتری به کارگران پرداخت کنند. اینجا نیز باید طبق مصلحت‌های عمومی و عدالت اجتماعی، قوانین را تطبیق داد تا حقوق کارگران تأمین شود.

نتیجه این‌که باید در تمامی مسائل، اقتضائات و مصلحت‌های عمومی را در نظر بگیریم تا هم عدالت برقرار شود و هم احکام الهی به‌طور صحیح اجرا شوند. این همان جایی است که باید درک دقیقی از ولایت فقیه داشته باشیم. ولایت فقیه تنها اجرای احکام نیست، بلکه مدیریت بر احکام است که در مواقع خاص و با توجه به اقتضائات می‌تواند تغییر کند.

در نهایت، این چهارمین ضلع نقشه ژنومی انقلاب اسلامی است که اجرای احکام الهی در کنار رعایت مصلحت‌های عمومی را می‌طلبد. این باید در تمامی راهبردها و برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود. والسلام علیکم و رحمه الله.

جلسه چهارم: تلفیق آرا مردمی با افکار اسلامی و مبانی دینی

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. از حضرت آقا یاد گرفتیم که نقشه امام بنای یک نظم مدنی سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی است. هدیه بزرگ امام به ما یک نظم مدنی سیاسی است که ریشه در عقاید اسلامی دارد و همان جمهوری اسلامی است. در خوانش امام، این نظم مدنی دو نکته ضروری داشت: اول، سپردن کارها به دست مردم از طریق انتخابات و مردم‌سالاری دینی و دوم، حرکت در چارچوب شریعت. این دو رکن، پایه‌های اصلی جمهوری اسلامی هستند.

حالا در عقلانیت اسلامی شروع کردیم نقشه ژنومی این موجود (جمهوری اسلامی) را پیدا کردن. به‌طور مشابه با یک موجود زنده که نقشه ژنومی دارد، جمهوری اسلامی هم نقشه‌ای دارد که از آن باید پیروی کنیم. در جلسات گذشته، نقشه ژنومی جمهوری اسلامی را به تفصیل بررسی کردیم. از تقدیر الهی و همت مردمی شروع کردیم، سپس به توحید و کرامت انسانی، معنویت و رای مردم پرداختیم، و در جلسه گذشته نیز به اجرای احکام الهی در کنار رعایت مصلحت‌های عمومی اشاره کردیم.

در این جلسه می‌خواهیم پنجمین ضلع نقشه ژنومی جمهوری اسلامی را بررسی کنیم. این ضلع هم یک دوگانه است که دو طرف آن سازگار با هم هستند و جمهوری اسلامی را برای ما روشن می‌کنند. دوگانه پنجم عبارت است از تلفیق آرا مردمی با افکار اسلامی و مبانی دینی.

آرا مردمی به معنای آرا بشر و انسان‌های معمولی است که به صورت آزادانه و با اختیار خود به حرکت در مسیر انقلاب اسلامی پیوسته‌اند. مردم با این اراده آزاد خود در بیعت با ولی جامعه حرکت کرده و جامعه اسلامی را شکل داده‌اند. این دوگانه به این معنا است که آرا و اراده مردم باید با افکار اسلامی و مبانی دینی ترکیب شود تا جامعه دینی شکل بگیرد و اداره شود.



این دیدگاه کاملاً با **لیبرالیسم** متفاوت است. در لیبرالیسم، ارزش‌ها تابع اراده مردم هستند و هیچ ارزش ثابت و الهی وجود ندارد. ارزش‌ها بسته به اراده و میل مردم متغیر هستند. مثلاً امروز ممکن است مردم با همجنس‌گرایی موافق شوند و آن را قانونی بدانند. اما در عقلانیت اسلامی، ارزش‌ها وجودی حقیقی دارند و بر اساس یک حقیقت ثابت و الهی تعریف می‌شوند. به عبارت دیگر، عدالت، صداقت و دیگر ارزش‌ها به‌طور مطلق و مستقل از اراده انسان‌ها هستند و نمی‌توانند به‌طور خودخواسته تغییر کنند.

این دیدگاه اسلامی به این معناست که ارزش‌ها باید توسط اراده و آگاهی مردم پذیرفته شوند، نه اینکه به‌طور تحمیلی بر آن‌ها اعمال شود. در عقلانیت اسلامی، ارزش‌ها از حقیقت‌های الهی هستند و این حقیقت‌ها باید با اراده آزاد مردم ترکیب شود. مثلاً دروغ به‌عنوان یک ضد ارزش، هرگز با اراده مردم نمی‌تواند خوب شود. اگر مردم جمعی هم آن را قبول کنند، همچنان دروغ بد است.

در عین حال، باید از **تجبر** هم اجتناب کرد. در تفکر تجبری، همه احکام الهی و ارزش‌ها به‌طور غیرقابل تغییر و بی‌چون و چرا به مردم تحمیل می‌شود، بدون آنکه اراده و اختیار مردم در آن نقشی داشته باشد. در این تفکر، مردم به‌عنوان موجوداتی فاقد آگاهی و اختیار، فقط باید از احکام تبعیت کنند و هیچ‌گونه درکی از ارزش‌ها و انتخاب آن‌ها نخواهند داشت.

جمهوری اسلامی به‌عنوان یک راه سوم، ترکیبی از **آرا مردمی** و **مبانی دینی** است. در این نظام، اراده مردم باید با افکار اسلامی و مبانی دینی ترکیب شود تا جامعه‌ای دینی و اسلامی شکل گیرد. این تلفیق به هیچ عنوان به‌صورت تحمیل بر مردم نیست. بلکه این اراده مردم است که به‌طور آزادانه و آگاهانه، ارزش‌های الهی را می‌پذیرد و در قالب جامعه اسلامی به‌کار می‌برد.

مثالی از تحقق این تلفیق را می‌توان در **مسئله حجاب** دید. انقلاب اسلامی برای تحقق حجاب در جامعه با اراده عمومی مردم آغاز شد. امام خمینی در اولین سخنرانی خود بعد از پیروزی انقلاب درباره ضرورت ورود زنان محجبه به ادارات صحبت کرد. با این حال، برخی از مردم ابتدا با این موضوع مخالفت کردند. اما بعد از مدتی، با توجه به اراده عمومی مردم و آگاهی که ایجاد شد، حجاب به‌طور عمومی در جامعه پذیرفته شد. این مثال نشان می‌دهد که ارزش‌های الهی و معنوی تنها زمانی می‌توانند در جامعه پیاده شوند که اراده عمومی مردم با آن‌ها همراه باشد.

نتیجه‌گیری این است که **جمهوری اسلامی** یک تلفیق از **آرا مردمی** و **افکار اسلامی** است. این تلفیق باید به‌صورت آزادانه و آگاهانه توسط مردم انجام شود، نه اینکه به‌طور تحمیلی بر مردم اعمال گردد. این همان حرف جدید جمهوری اسلامی است که در آن ارزش‌های معنوی و الهی باید با اراده مردم توأم شوند و حرکت‌ها و جوامع را شکل دهند.

والسلام علیکم و رحمه الله.



جلسه پنجم: حکمرانی بشری و اهداف الهی در جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم در جلسات گذشته درباره نقشه ژنومی انقلاب اسلامی صحبت کردیم و عرض شد که نقشه ژنومی مانند ژنوم یک انسان است که در تمامی اعضا و جوارح او حضور دارد. این نقشه ژنومی باید توسط مهندسان فرهنگی، راهبران اجتماعی و حلقه‌های میانی انقلاب به‌خوبی درک شود تا در طرح‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای مختلف انقلاب اسلامی لحاظ شود. همان‌طور که نقشه ژنی در تمامی ابعاد جسمانی انسان حضور دارد، این نقشه ژنومی باید در برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انقلاب اسلامی نیز حضور داشته باشد تا اهداف انقلاب به درستی تحقق یابد. این موجود که نظم مدنی و سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی است، همان جمهوری اسلامی است که حضرت آقا آن را «نقشه امام» می‌دانند. جمهوری اسلامی ریشه در عقلانیت اسلامی دارد و نقشه ژنومی خاص خود را دنبال می‌کند.

در جلسات گذشته، پنج ضلع از این نقشه ژنومی بررسی شد و امروز می‌خواهیم ششمین ضلع این نقشه ژنومی را مورد بررسی قرار دهیم. ششمین ضلع از این نقشه یک دوگانه است که دو طرف آن سازگار با هم هستند و دو دیگری را از جمهوری اسلامی جدا می‌کند. این دوگانه، حکمرانی بشری و اهداف الهی است.

حکمرانی بشری و اهداف الهی:

در دنیای امروز، بسیاری از کشورها و جوامع حکمرانی بشری را انتخاب کرده‌اند. در حکمرانی بشری، اهداف بشری دنبال می‌شود که تماماً متمرکز بر مسائل دنیوی و زمینی است. این حکمرانی بیشتر به دنبال به‌وجود آوردن یک «بهشت زمینی» برای انسان است، جایی که انسان بدون توجه به جهان معنا و آسمان، تنها در پی تحقق شهوات و آرزوهای دنیوی خود باشد. در این نوع حکمرانی، انسان از رهیافت‌های معنوی و آسمانی جدا می‌شود و فقط به دنبال بهبود وضعیت دنیوی و نیازهای جسمی و مادی خود است.

در مقابل، اهداف الهی که جمهوری اسلامی به دنبال آن است، شامل عدالت، کرامت انسان، آبادانی زمین و رسیدن به زندگی توحیدی است. در جمهوری اسلامی، هدف‌ها از دیدگاه وحیانی و الهی شکل می‌گیرند. زندگی توحیدی و عروج انسان به مرتبه قرب خداوند، هدف نهایی حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی به هیچ وجه نمی‌خواهد انسان را تنها در سطح دنیوی و مادی نگه دارد. بلکه هدف آن ارتقای انسان به مرتبه‌ای است که به نزدیکی به خداوند و درک معانی عمیق‌تری از زندگی دست یابد.

تلفیق حکمرانی بشری با اهداف الهی:

جمهوری اسلامی نمی‌خواهد مانند جوامع غربی تنها بر حکمرانی بشری تکیه کند. در عین حال، جمهوری اسلامی می‌خواهد از تجربیات بشری و خرد جمعی برای تحقق اهداف الهی بهره ببرد. حضرت آقا در بیانات خود به این نکته اشاره می‌کنند که برای رسیدن به اهداف الهی مانند عدالت و کرامت انسان، باید از تجربه بشری و خرد جمعی استفاده شود.



در این راستا، جمهوری اسلامی از فکرها، زبان‌ها و بازوهای کارآمد مردم برای تحقق اهداف خود بهره می‌برد. این استفاده از خرد جمعی و تجربه بشری به این معنا نیست که جمهوری اسلامی از اصول الهی خود دست بکشد، بلکه هدف آن استفاده از ابزارهای بشری برای تحقق این اهداف الهی است.

در این نظام، شریعت و عقلانیت اسلامی در هم تنیده می‌شوند و هم‌جهت پیش می‌روند. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی در پی آن است که از آموزه‌های وحیانی (غیب) و عقلانیت بشری (شهود) در کنار هم استفاده کند. این تدبیر هوشمندانه‌ای است که جمهوری اسلامی برای پیگیری اهداف الهی در دنیای مدرن به کار می‌برد.

تفاوت با تحجر و تجدد:

در تفکر تحجری، ارزش‌ها و احکام به‌طور ساده و بدون در نظر گرفتن پیچیدگی‌های دنیای جدید به مردم تحمیل می‌شود. این تفکر از تعامل با تجربه‌های بشری و دنیای مدرن اجتناب می‌کند و به‌طور کلی هیچ‌گونه دیالوگ و تبادل نظری با دنیای جدید ندارد.

در تفکر تجددی، عقلانیت بشری به‌عنوان مرجع اصلی برای حل مسائل استفاده می‌شود. این نوع عقلانیت در دنیای مدرن به‌طور کامل از اصول الهی جدا شده است و انسان را صرفاً بر اساس نیازهای دنیوی و مادی در نظر می‌گیرد. اما این عقلانیت نمی‌تواند اهداف الهی مانند عدالت و کرامت انسان را به درستی تحقق بخشد.

جمهوری اسلامی در تلاش است تا از تجربه بشری و خرد جمعی برای رسیدن به اهداف الهی مانند عدالت و کرامت انسان استفاده کند. در این مسیر، اهداف الهی باید از یک سو پیگیری شود و از سوی دیگر خرد جمعی و تجربه بشری در راستای این اهداف قرار گیرد. جمهوری اسلامی به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهد از دنیای جدید و ابزارهای بشری دور بماند، بلکه تلاش می‌کند تا این ابزارها را در خدمت اهداف الهی قرار دهد. این نوع حکمرانی تلفیق حکمرانی بشری با اهداف الهی است که در آن از عقلانیت اسلامی و تجربه‌های بشری برای رسیدن به عدالت و پیشرفت انسانی استفاده می‌شود.

والسلام علیکم و رحمه الله.

جلسه ششم: عدالت اقتصادی و تولید ثروت

بسم الله الرحمن الرحیم و بهیمنه العین. در جلسات گذشته درباره نقشه ژنومی انقلاب اسلامی صحبت کردیم و گفتیم که مانند ژن یک انسان که در تمام اعضای او حضور دارد، این نقشه ژنومی باید در تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انقلاب رعایت شود تا انقلاب اسلامی به درستی پیش برود. این موجود که نظم مدنی و سیاسی بر اساس عقلانیت اسلامی است، همان جمهوری اسلامی است که حضرت آقا آن را «نقشه امام» می‌دانند. این نقشه ژنومی ریشه در عقلانیت اسلامی دارد و باید در همه طرح‌ها و برنامه‌ها رعایت شود. تا الان شش ضلع از این نقشه ژنومی را بررسی کرده‌ایم. حالا می‌خواهیم به هفتمین ضلع این نقشه ژنومی بپردازیم که **عدالت اقتصادی در کنار تولید ثروت** است.





در دنیای امروز، دو دیدگاه متفاوت درباره عدالت اقتصادی وجود دارد. در بلوک غرب، تمرکز بر تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی است. در این مدل، می‌گویند که اگر تولید ثروت بیشتر نشود، دولت‌ها هیچ‌چیز برای ارائه ندارند و نمی‌توانند عدالت را برقرار کنند. در نتیجه، تمرکز بر **مالکیت خصوصی** و آزادی بازار است. در این مدل، باید **آزادی کامل** به بخش خصوصی داده شود تا پیشرفت اتفاق بیفتد. البته در این مدل، پیشرفت اقتصادی در غرب اتفاق افتاده است و کشورهای غربی رشد اقتصادی زیادی داشته‌اند، اما **عدالت اقتصادی** محقق نشده است و فقر و نابرابری همچنان وجود دارد. در طرف مقابل، در بلوک شرق، شوروی و کشورهای مشابه به دنبال **عدالت اقتصادی** بودند، اما پیشرفت اقتصادی به‌درستی شکل نگرفت. آن‌ها تمام اقتصاد را دولتی کردند و نتوانستند ظرفیت‌های مردم را آزاد کنند. این باعث شد که در نهایت پیشرفت در بسیاری از زمینه‌ها نداشته باشند و به فروپاشی برسند.

جمهوری اسلامی در پی تحقق **عدالت اقتصادی و پیشرفت** است، اما به‌صورت **مردم‌پایه**. حضرت آقا می‌فرمایند که اگر پیشرفت مردم‌پایه باشد، عدالت خود به خود محقق می‌شود. یعنی باید برای همه مردم امکان تولید ثروت فراهم شود و نه فقط برای بخش خصوصی. در **قانون اساسی جمهوری اسلامی**، بند ۲ اصل ۴۳ بیان می‌کند که باید فرصت‌های برابر برای همه فراهم شود تا هر فردی بتواند در فرآیند تولید مشارکت کند. این مشارکت باید به‌گونه‌ای باشد که همه مردم به‌طور برابر در تولید ثروت سهیم باشند. حضرت آقا در سال‌های اخیر از **اندیشمندان اقتصادی** درخواست کرده‌اند که طرح‌هایی برای مشارکت مردم در تولید و توسعه مالکیت عمومی ارائه دهند.

حضرت آقا همچنین در سخنان خود تأکید کرده‌اند که **پیشرفت مردم‌پایه** به این معنا است که ابتدا منابع باید به‌طور عادلانه تقسیم شود و سپس مردم باید توانایی سرمایه‌گذاری و تولید داشته باشند. اگر این شرایط فراهم شود، پیشرفت به‌وجود می‌آید و کسانی که توانایی یا تلاش کافی نداشته باشند، به‌طور طبیعی عقب می‌مانند.

در جمهوری اسلامی، **گسترش مالکیت عمومی** به این معنا است که همه افراد باید بتوانند در فرآیند تولید مشارکت کنند و از منابع و فرصت‌ها به‌طور برابر بهره‌مند شوند. در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز تأکید شده است که باید **مالکیت عمومی** گسترش یابد تا عدالت اجتماعی محقق شود. در نهایت، هدف جمهوری اسلامی این است که با **مشارکت مردم در تولید و گسترش مالکیت عمومی**، نه تنها عدالت اقتصادی برقرار شود، بلکه پیشرفت نیز در سطحی گسترده و عادلانه در جامعه اتفاق بیفتد.

همچنین حضرت آقا در فرمایشات خود تأکید می‌کنند که باید در کنار تولید ثروت، **علم و دانش و بنیه دفاعی** کشور نیز تقویت شود. این تقویت باید به‌صورت **متوازن** باشد. اگر تنها به بخش دفاعی توجه کنیم و از علم و دانش غفلت کنیم، مانند شوروی سابق، پیشرفت در دیگر زمینه‌ها نخواهیم داشت. بنابراین، تقویت علم و دانش و بنیه دفاعی باید به‌طور همزمان و متوازن انجام شود تا کشور در تمام ابعاد پیشرفت کند.



جلسه هفتم : عدالت در کنار تولید

بسم الله الرحمن الرحيم

در این جلسه، می‌خواهیم به هفتمین ضلع از نقشه ژنومی انقلاب اسلامی بپردازیم که بحث **عدالت اقتصادی در کنار تولید ثروت** است. تا کنون در جلسات گذشته درباره نقشه ژنومی انقلاب اسلامی و پنج ضلع از آن صحبت کرده‌ایم. این نقشه ژنومی همان‌طور که برای یک موجود زنده وجود دارد، برای انقلاب اسلامی نیز باید رعایت شود تا اهداف انقلاب به درستی محقق شود.

در دنیای غرب

در کشورهای غربی، تمرکز اصلی بر تولید ثروت و پیشرفت اقتصادی است. در این مدل، **مالکیت خصوصی و آزادی بازار** برای رشد اقتصادی اهمیت دارد. این سیستم به گونه‌ای طراحی شده است که دولت‌ها در بازار دخالت نکنند و همه چیز را به بخش خصوصی بسپارند. نتیجه این سیاست‌ها رشد اقتصادی در کشورهای غربی بود، اما **عدالت اقتصادی** محقق نشد. در این جوامع، نابرابری‌های زیادی وجود دارد و فقر در برخی طبقات اجتماعی همچنان ادامه دارد.

در بلوک شرق

در مقابل، در بلوک شرق مانند شوروی سابق، تمرکز بر **عدالت اقتصادی** بود. هدف این بود که همه افراد جامعه از منابع یکسان بهره‌مند شوند. اما در اینجا چون همه چیز به صورت **دولتی** پیش می‌رفت و ظرفیت‌های مردم آزاد نمی‌شد، نتیجه‌اش عدم پیشرفت و **فروپاشی** سیستم‌های اقتصادی در این کشورها بود.

جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی از ترکیب این دو مدل استفاده می‌کند. هدف جمهوری اسلامی ایجاد **عدالت اقتصادی و در عین حال تولید ثروت** است، به‌طوری‌که این پیشرفت به‌صورت **مردم‌پایه** باشد. یعنی باید برای همه افراد جامعه، فارغ از شرایط اجتماعی و اقتصادی‌شان، فرصت‌های برابر برای مشارکت در تولید فراهم شود. در **قانون اساسی جمهوری اسلامی**، تأکید شده که باید فرصت‌های برابر برای همه فراهم شود تا در فرآیند تولید مشارکت کنند.



پیشرفت مردم پایه

پیشرفت مردم پایه یعنی فرصتی برای همه افراد جامعه برای مشارکت در تولید ثروت فراهم شود. اگر منابع به طور عادلانه تقسیم شود و همه افراد بتوانند از این منابع به طور برابر بهره‌برداری کنند، پیشرفت به وجود خواهد آمد. کسانی که از این فرصت‌ها استفاده نکنند، به طور طبیعی عقب خواهند ماند. در جمهوری اسلامی، این اصل در تمام سیاست‌ها باید رعایت شود.

گسترش مالکیت عمومی

در کنار پیشرفت مردم پایه، باید مالکیت عمومی گسترش یابد. گسترش مالکیت عمومی به این معنا است که منابع و امکانات تولید باید به طور برابر در اختیار مردم قرار گیرد. این موضوع در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است که باید برای تحقق عدالت اجتماعی، مالکیت عمومی گسترش یابد.

تقویت علم و دانش و بنیه دفاعی

برای رسیدن به یک جامعه پیشرفته، باید در کنار تولید ثروت، علم و دانش و بنیه دفاعی کشور نیز تقویت شود. این تقویت باید به طور متوازن باشد. نباید تنها به بخش دفاعی یا تنها به بخش علمی توجه کنیم. برای پیشرفت همه‌جانبه کشور، باید در همه این عرصه‌ها به طور همزمان توانمند شویم.

نتیجه‌گیری

در نهایت، برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی و تحقق یک جامعه اسلامی پیشرفته و عادلانه، باید در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و علمی به مشارکت مردم در تمامی بخش‌ها توجه کنیم. همچنین گسترش مالکیت عمومی و تقویت علم و دانش و بنیه دفاعی باید به طور متوازن در دستور کار قرار گیرد تا کشور در تمام ابعاد پیشرفت کند.

والسلام علیکم و رحمه الله.



نقشه ژنومی مانند ژنوم یک انسان است که در تمامی اعضا و جوارح او حضور دارد. این نقشه ژنومی باید توسط مهندسان فرهنگی، راهبران اجتماعی و حلقه‌های میانی انقلاب به‌خوبی درک شود تا در طرح‌ها، برنامه‌ها و راهبردهای مختلف انقلاب اسلامی لحاظ شود.

راه‌های ارتباطی با ما

❖ **سایت ما**

harekat.net

❖ **کانال مدرسه گفتمانی بینات در ایتا**

neshastebayenat

